

«رهبری کاریزماتیک امام خمینی (ره)» در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین سید هادی خامنه‌ای

کمک به خلق برای رسیدن به حق

◀ صفحه ۱۴



«شان اخلاق در سیاست» از منظر بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران

اخلاق سلیم سیاستمدار

◀ صفحه ۱۵



تأملی بر شیوه رهبری و مشی شخصیتی امام خمینی (ره)

# رهبریِ فرهنگمند

یحیی فوزی

عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم/انسانی ومطالعات فرهنگی

سیره سیاسی حضرت امام(ره) و شیوه رهبری ایشان بی‌شک جدا از مشی شخصیتی و منش رفتاری ایشان نیست. به این اعتبار، برای پرداخت به سبک رهبری حضرت امام(ره) باید ویژگی های شخصیتی شان را مورد بازخوانی قرار داد.

هر چند در مورد حضرت امام خمینی(ره) سخن بسیار گفته شده است اما تکرار ویژگی‌های خاص شخصیتی وی درس آموزی بسیاری برای امروز ما دارد. وی الگو و سرمشقی برای زیست انسان هایی است که از یک سو، دغدغه آخرت، دین، معنویت و اخلاق را دارند و از سوی دیگر، به دنبال اصلاح دنیا، جامعه و سیاست و جذب قلوب افشار مختلف جامعه برای پیشبرد اهداف اجتماعی و سیاسی هستند.

در این راستا باید گفت: امام خمینی(ره) در زندگی فردی، از جوانی به سیر و سلوک معنوی و جهاد اکبر پرداخته بود و پس از این مراحل، وارد صحنه سیاسی شد که نتیجه آن را می‌توان چنین برشمرد: تجلی روح عرفانی در تمام اعمال وی از جمله تصمیمات سیاسی، اجتماعی، دارا بودن انگیزه الهی و سرکوب نفس، ناظر دیدن خداوند بر تمام اعمال و رفتار، تلاش برای رضای الهی در همه اعمال، شجاعت استثنایی، عزت نفس، صبر و بردباری، سرسختی و ایستادگی در راه حق و نیز قدرت اثرگذاری بالا بر نفوس و عقول مردم.

شاید مطرح کردن رهبری انقلابی به‌عنوان «عارف» بسیار عجیب باشد؛ چه آنکه گام نهادن در مسیر سیر و سلوک عرفانی و شکل‌گیری روحیات عرفانی در افراد، شخصیتی می‌سازد که با رجال سیاسی رایج تفاوت بسیار دارد. عارف کسی است که از دنیا و متعلقات آن بریده است و به کشمکش‌ها و هیاهوهای این دنیا بی‌اعتناست، او همه عالم مادی را به هیچ می‌انگارد و در عزلت، همراه به ذکر و عبادت خدا مشغول است و از هر فکر یا عملی که باعث آلودگی به امور دنیایی شود، دوری می‌جوید. این در حالی است که سیاستمدار، تنها به این دنیا می‌اندیشد و دغدغه‌اش پیش افتادن از رقبا و حریفان است. او مجبور است با خونسردی تصمیم‌هایی بگیرد که گاه به اینار وفداکاری انسان‌ها و گاه به قربانی شدن شان نیاز دارد. به همین دلیل، بی‌گمان جنبه عرفانی زندگی امام(ره) پیچیده‌ترین جنبه شخصیت و زندگی ایشان است.

این ویژگی‌های عرفانی، در زندگی فردی و اجتماعی و سیاسی وی تأثیرات بسزایی نهاده بود؛ به‌گونه‌ای که جالب‌ترین ویژگی زندگی شخصی امام(ره)، صمیمیت و رفتار با اطرافیان از موضعی برابر (در مقابل رابطه خشک و اقتداری) است. ایشان نگاه حقارت‌آمیز به پندگان خدا و ناچیز شمردن اعمال مردم را در مظاهر عجب و باعث هلاکت انسان می‌دانست. (روح‌الله) موسوی خمینی (امام)، چهل حدیث، ص ۶۹) و خود نیز در برخورد با

انسان‌ها (حتی کودکان)، به کرامت انسانی آنان احترام بسیار می‌نهاد. امام(ره) هیچگاه از کسی تقاضای شخصی نمی‌کرد و از محول کردن انجام امور خود به دیگران نیز خودداری می‌نمود.

تجلی دیگر این باور انسان‌شناسانه، در ادب امام و احترام به دیگران بود: در تمام مدت تدریس، در برابر شاگردان دوزانو و مؤدب می‌نشست. افرادی که در کوچه و خیابان با او برخورد می‌کردند، وی را فردی متین، باوقار و مواضع می‌یافتند. (امیر رضا ستوده)گرد آوری و تدوین)، با به پای آفتاب: گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی امام خمینی(ره) جلد ۳، ص ۲۵۵. «مصاحبه با آیت‌الله امامی کاشانی»، همان، ج ۳، ص ۲۵۳). کمتر کسی توانست برای سلام گفتن، بر او پیشی بگیرد و هر گاه در مجلسی وارد می‌شد، به همگان سلام می‌کرد. او پیش از نشستن همسر بر سر سفره، هرگز دست به غذا نمی‌برد. (همان، «مصاحبه با علی اکبر آشتیانی»، همان، ج ۲، ص ۲۲)

رعایت حقوق دیگران، نیز در همه برخورد‌های امام، دیده می‌شد: به آشپز منزل خود تأکید می‌کرد مبادا به دلیل



انتساب به ایشان، مردمی که در صف ثانوایی ایستاده‌اند، نوبت خود را. هرچند داوطلبانه. به او واگذار کنند: حد اکثر وسواس را به خرج می‌داد تا از همه ساکنان خانه‌هایی که در جماران به دلیل سکونت ایشان تخلیه شده بود، رضایت بگیرد؛ (همان، ج ۱، ص ۱۳۳ خاطرات آقای عیسی جعفری) به‌دلیل اصابت ناخواسته چوب به پای فرزند، به او دیه پرداخت؛ (خانم زهرا مصطفوی، دختر امام، می‌گوید: «... در دوران کودکی، من و دو خواهر بزرگترم که نه و یازده ساله بودند، با وجود تذکر قبلی امام در مورد نرفتن به خانه همسایه، به آنجا رفته بودیم، خبر به گوش ایشان رسید. ایشان برای تنبیه خواهر بزرگترم، ترکه‌ای را برداشتند و برای ترساندن او آن را بر دیوار زدند که ترکه شکست و چوب شکسته به پای خواهرم اصابت کرد و بعد از مدت کوتاهی، محل اصابت غیرعمدی ترکه کبود شد. ایشان از ماجرا خبردار شدند و مقدار کبودی را دیدند و در قبال آن دیه لازم را به او دادند.» (مصاحبه با خانم زهرا مصطفوی، امیررضا ستوده، همان، ج ۱، ص ۱۲۳) ساعات بجه‌داری شبانه را با همسر خود تقسیم می‌کرد و هر یک به نوبت، مسئولیت نگهداری و مراقبت از فرزندان را بر عهده می‌گرفتند: هنگام

برخاستن برای نماز شب، از چراغ قوه استفاده می‌کرد تا مبادا با روشن کردن چراغ اتاق موجب مزاحمت برای دیگران شود و از این فراتر، حتی حقوق حیوانات و حشرات را رعایت می‌نمود. (امیر رضا ستوده، مصاحبه امضای بیت امام، جلد ۱ صفحات ۳۴ و جلد ۲ ص ۱۳۴، جلد ۱، ص)

شاید لطیف‌ترین ویژگی در زندگی شخصی و خانوادگی امام(ره)، توجه به احوال نزدیکان و ابراز محبت به آنان باشد.

ساده‌زیستی و قناعت نیز از دیگر ویژگی‌های امام(ره) است که در ایجاد جاذبه میان طلبه‌ها و مریدانش نقش بسزایی داشت. ناظرانی که به این بعد از زندگی امام(ره) اشاره داشته‌اند، نمونه‌هایی را ذکر کرده‌اند که برخی از آنها (با توجه به داشتن امکان مالی) برای افراد عادی منصور نیست. برای مثال، او در حالی زمستان را به پایان می‌برد که دیوار یکی از اتاق‌های خانه‌اش خراب شده و خانواده‌اش همچنان در آن خانه زندگی می‌کردند؛ در زمان جنگ، گاه در خانه‌اش پودر رختشویی پیدا نمی‌شد، به این دلیل که پودر کوپنی خریداری شده تمام شده و هنوز کوپن بعدی را اعلام نکرده بودند.

هنگامی که برای ورود به ایران، ستاد استقبال از ایشان برنامه چرائانی و فرش کردن فرودگاه را تنظیم می‌کرد، به مجرد اطلاع از آن، اعتراض کرد که «به آقایان بگوئید مگر می‌خواهند کوروش را وارد ایران کنند. ابتدا این کار لازم نیست! یک طلبه از ایران خارج شده و همان طلبه به ایران بازمی‌گردد». با وجود گرمای طاقت‌فرسای نجف، اجازه نمی‌داد حتی برای نماز، کولر و پنکه بخرند. (همان جلد ۱ و جلد ۲) همچنین به اطرافیانش هشدار می‌داد که در مصرف کاغذ اسراف نکنید. (امیر رضا ستوده، «خاطرات حجت‌الاسلام عبدالعلی قرهی»، همان، ج ۳، ص ۴۶) همه این صرفه‌جویی‌ها در حالی انجام می‌شد که امام(ره) در مقایسه با مراجع دیگر، بیشترین شهریه را به طلاب پرداخت می‌کرد و برای نخستین بار در تاریخ حیات حوزه نجف، حقوق طلبه‌ها را که از ماهی صد تومان تجاوز نمی‌کرد، به حدود دو هزار تومان در ماه رساندند. (همان، ج ۲ ص ۳۰۳)

از دیگر صفاتی که از حضرت امام(ره) فردی بی‌نظیر ساخته، صبر و خوشبختنداری ایشان است. فرزند ایشان در این باره گفته بود: در مجموع، امام از مسائلی که خیلی تلخ بود، اوقاتشان زیاد تلخ نمی‌شد و از مسائلی هم که شیرین بود، خیلی خوشحال نمی‌شدند. تنها خود را مأمور به انجام تکلیف می‌دانستند. (همان، جلد ۳، خاطرات آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، ص ۱۷۹) خود ایشان در پاسخ به پرسش یکی از اطرافیان در مورد احتمال نگرانی از بحران‌های سیاسی کشور فرموده بود: من هیچ‌گاه مضطرب نمی‌شوم. (همان، ج ۳، ص ۳۲۷) اهمیت این ویژگی، آن هنگام دانسته می‌شود که بدانیم امام(ره) با مسائل سیاسی و نظامی چگونه روبه‌رو می‌شد.

## جامعیت علمی

و ویژگی‌های خاص فردی، اجتماعی و

سیاسی حضرت امام(ره)، از وی رهبری فرهنگمند

ساخته بود که موفق شد جهان اسلام را جانی دیگر بخشد.

امام(ره) با احیای مجدد معنویت

در جهان معاصر و تأکید بر ابعاد مختلف و جودی انسان و لزوم سامان‌یابی

زندگی سیاسی و اجتماعی بر اساس نیازهای واقعی انسان، کوشید تا هویت انسانی را احیا کند و انسان‌ها را با واقعیت وجود

و آواغیت وجود خویش آشنا سازد. در واقع همین اندیشه‌ها و آرمان‌های وی بود که سبب شد قلب‌ها و روح‌های بسیاری مجذوب او شوند



محسن بهشتی سرشت

عضو هیات علمی پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

زندگی سیاسی و رهبری حضرت امام(ره) را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: یکی قبل از انقلاب و در قامت یک مبارز سیاسی و رهبر نهضتی انقلابی و دیگری پس از انقلاب به‌عنوان رهبر یک نظام مستقر. در دوره قبل از انقلاب وقتی از مرحله جوانی تا میانسالی مواضع سیاسی

ایشان را پی می‌گیریم نگارش کتاب کشف‌الاسرار در پاسخ به کتاب «اسرار هزار ساله» آقای علی اکبر حکمی‌زاده، یک نقطه برجسته است. در آن کتاب علاوه بر پاسخی که حضرت امام(ره) ارائه می‌کنند نقطه نظرات سیاسی نیز از جانب ایشان مطرح می‌شود. از جمله اینکه تأکید می‌شود نظام سیاسی حاکم بر جامعه نباید مغایر با مبانی اسلامی، حرکت و اقدامی داشته باشد. در آن دوره هر چند امام با تبصره یاد شده چارچوب نظام مشروطه را قبول می‌کنند اما به موازات آن انتقادات بسیار تندی هم از جانب ایشان علیه نظام رضاخانی مطرح می‌گردد. محور این انتقادات هم خروج رضاخان در مقام پادشاه ایران از چارچوب قانون اساسی بود که مقام پادشاهی را از یک قدرت فرمایشی در چارچوب مشروطه به یک قدرت مطلقه تبدیل کرده بود.

بعد از آن مرحله به مقطع دهه ۴۰ می‌رسیم که نقطه آغاز نهضت اسلامی است. در آن مقطع تا زمان حیات آیت‌الله بروجردی، حضرت امام(ره) در مقام مشاور ایشان ایفای نقش می‌کردند و از حريم ایشان نیز خارج نمی‌شدند، این در حالی بود که آیت‌الله بروجردی نسبت به ورود به مسائل سیاسی بجز مواردی خاص، اگراه داشتند اما حضرت امام(ره) این بحث را طور دیگری می‌دیدند. با این حال ایشان فراتر از آیت‌الله بروجردی حرفی نمی‌زدند تا ثبات و اقتدار حوزه علمیه قم حفظ گردد. بعد از فوت آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۴۰، نهاد مرجعیت دگرگون می‌شود و رژیم هم فکر می‌کند که مجتهد مبرزی در عرصه نیست و می‌تواند اهداف خود را جلو ببرد.

با این تصور بحث انجمن‌های ایالتی و ولایتی مطرح می‌شود و این همان نقطه‌ای است که رهبری سیاسی حضرت امام(ره) در رقامت رهبر نهضت آغاز می‌گردد. اولین پیروزی سیاسی امام(ره) هم در همین مقطع و با پس گرفتن لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی توسط رژیم محقق می‌شود. این درست خلاف داشت آن زمان رژیم و شرکای خارجی آن بود که گمان می‌کردند توانسته‌اند بعد از مشروطه پای دین را از سیاست ببرند. اما تحلیل گفتمانی مجموعه اعلامیه‌ها، سخنرانی‌ها و موضع‌گیری‌های حضرت امام(ره) در آن مقطع نشان می‌دهد که ایشان همچنان نوک پیکان حمله خود را متوجه برخی از رفتارهای رژیم کرده‌اند و کل سیستم را زیر سؤال نبرده‌اند. کما اینکه در جایی در همین مقطع می‌فرمایند «اگر رژیم به قانون اساسی عمل کند ما اصلا حرفی نداریم». این یعنی آنکه در آن مقطع امام(ره) هنوز امیدوار به اصلاح بودند. بنابراین رهبری ایشان در این برهه ناظر به این هدف بود که رژیم خود را اصلاح کرده، از خودرایی دست بردارد و به چارچوب قانون اساسی که حاصل خون بسیاری از روشنفکران و علما در عصر مشروطه بود، برگردد. در همان زمان است که گروه‌های معتقد به مبارزه مسلحانه اندک اندک ظهور

می‌کنند. اما امام به چند دلیل روش مسلحانه را نمی‌پذیرفتند؛ یکی اینکه نیاز این کار وابستگی به یکی از قدرت‌های جهانی آن زمان بود که مغایر اصل استقلال بود. دیگر اینکه در این روش افراد نیازمند پنهانکاری هستند و از وصل شدن به جامعه عقب می‌مانند و از کف جامعه فاصله می‌گیرند. از همه خطرناک‌تر هم این بود که جریان‌اتی با گرایش‌های نظامی معمولاً تناسیل بالایی برای خودکامگی و انحصارطلبی، بعد از پیروزی دارند. با این توصیف شیوه امام(ره) در مبارزه سیاسی، گرفتن حداکثر ارتباط با توده جامعه و بالا بردن آگاهی در میان افشار مختلف بود. با این هدف که بعد از افزایش آگاهی خود مردم بدون نیاز به اسلحه می‌توانند دست به انتخاب برای تعیین سرنوشت خویش بزنند. در پی همین موضوع هم به مشخصه دیگر رهبری سیاسی حضرت امام(ره) می‌رسیم که آن هم تکیه صرف و مطلق بر مردم است. با این توجه که مردم آگاه خودشان اقدام می‌کنند، خودشان راه را پیدا می‌کنند و خودشان هم از دستاوردهایشان محافظت خواهند کرد. لذا می‌بینیم که حضرت امام(ره) چه قبل و چه بعد از انقلاب بر اصل مردم تأکید دارد و آنها را ولی نعمت خویش و انقلاب می‌داند و به همین جهت هم رسیدگی به امور مردم را از بزرگترین واجبات و حتی عبادات می‌داند. اما مهم‌ترین وجه مردمی بودن حضرت امام(ره) را باید در ساده‌زیستی و البته تطایق حرف با عمل و رفتار او دانست. به‌عبارتی زندگی شخصی و سیاسی او برای مردم روی پنهان دیگری نداشت و این راستی و صداقت اولین و مهم‌ترین مرحله مردم‌گرایی ایشان بود. چه اینکه اولین حقی را که از مردم بر شانه خود احساس می‌کرد در این می‌دید که با آنها صادق و راستین باشد و همان چیزی را که در واقعیت هست از خود به نمایش بگذارد. در پی موضوع مردم‌گرایی حضرت امام(ره) اصل دیگری را مورد تأکید قرار می‌دادند که جدا از بحث صداقت با مردم نیست و آن هم موضوع وحدت است؛ موضوعی که ایشان آن را کلید پیروزی می‌دانستند. این مسأله هم به دوران مبارزات قبل از انقلاب مربوط می‌شد و هم پس از آن برای استقرار نظام و تحکیم آن. در دوران پس از انقلاب به متأسفانه ما بلافاصله با پدیده جنگ‌های خیابانی و تروریستی گروه‌هایی چون مجاهدین خلق مواجه شدیم و پس از آن تجربه ۸ سال جنگ تحمیلی را داشتیم، اولویت حضرت امام(ره) این بود که کشور حفظ شود.

اما هم‌زمان نیز مسائلی چون دریافت مشاوره از افراد صاحب‌نظر و در ادامه آن اخذ تصمیمات قاطع از دیگر اولویت‌های رهبری ایشان بود. از نمونه‌های مهم این مورد پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بود. وقتی ایشان در آن مقطع نظرات کارشناسان را شنید و در معرض مشاوره‌های افراد مختلف قرار گرفت با انعطاف در موضع قبلی خود، با قاطعیت تصمیم را اتخاذ کرد و مسئولیت آن را پذیرفت که نشان می‌دهد مصالح و منافع عمومی و ملی ایشان در قامت یک رهبر سیاسی حتی از وجهه شخصی خودشان هم مهمتر بود. چه آنکه اکثر قریب به اتفاق رهبران سیاسی جهان اگر در چنین موقعیتی قرار بگیرند قطعاً بر احتی تن به تغییر موضع قبلی خود نخواهند داد، حتی به بهای پرداخت هزینه‌های گزاف عمومی. این نوع رفتار حضرت امام هم در واقع در ادامه همان ویژگی مردم‌گرایی ایشان قابل توصیف و تعریف است؛ ویژگی‌ای که در دوران مبارزه به یک شکل و در دوران زعامت نظام اسلامی به شکلی دیگر در رفتار این رهبر بزرگ متجلی شده بود.